بسم الله الرحمن الرحیم

مدل‌سازی مفاهيم سازنده اقتصاد مقاومتی با رويکرد ساختاري تفسيري (ISM)

# چکیده

مفهوم اقتصاد مقاومتي که در ساليان اخير توسط مقام معظم رهبري به عنوان نجات‌بخش اقتصاد ملي معرفي شده است، خود مشتمل بر مفاهيم متعددي است. براي آنکه بتوان اين مفاهيم را به دستور کار سياستي تصميم‌گيران اقتصادي در کشور تبديل نمود، مي‌بايست ابتدا روابط ميان اين مفاهيم و تقدم و تاخر ايشان روشن گردد تا مسير پياده‌سازي اين مفاهيم به ترتيب معلوم شده و به برنامه تبديل شود. هدف اين پژوهش آن است که با بررسي مجموعه مفاهيمي که با محوريت اقتصاد مقاومتي طرح مي‌گردند، روابط ساختاري ميان اين مفاهيم و پيش‌نيازي آن‌ها را تبيين نموده و متناسب با اين تقدم و تاخرها دستور کار سياستي را استخراج نمايد.

بدين منظور پس از تحليل مضموني مجموعه بيانات مقام معظم رهبري و استخراج مفاهيم زيرمجموعه و مرتبط با اقتصاد مقاومتي، ارتباط ميان اين مفاهيم با استفاده از روش مدلسازي ساختاري-تفسيري و با کمک خبرگان موضوع مورد بررسي قرار گرفته است.

نتايج نشان‌گر آن است که اقتصاد دانش‌بنيان در بنيادي‌ترين لايه مدل ساختاري-تفسيري اقتصاد مقاومتي قرار مي‌گيرد و مولفه‌هاي: مديريت جهادي، خودکفايي، عدالت‌محوري، درون‌زايي، و استفاده از ظرفيت مردمي در لايه واسط قرار مي‌گيرند تا در نهايت مولفه‌هاي: اقتصاد بدون نفت، تاب‌آوري، شفافيت و برون‌گرايي حاصل گردند.

# کلمات کلیدی

اقتصاد مقاومتي، مدلسازي ساختاري تفسيري، پياده‌سازي اقتصاد مقاومتي، تحليل مضمون

The Modeling Main Concepts of Resistive Economics
through Interpretive Structural Modeling (ISM)

# Abstract

The Concept of Resistive Economy, mentioned by supreme leader as a savior for national economy, includes in several concepts.

To derive policy agenda, we should initially identify and model relationships between such concepts. It helps to understand the implementation path of Resistive Economy and national economy planning. The aim of this paper is to identify structural relations between Economic Concepts with a focus on Resistive Economics to extract guide lines for policy making.

After analyzing Supreme leader remarks by help of thematic analysis method and extraction of Concepts related to Resistive Economics, the relationships between these concepts was identified and modeled through Interpretive Structural Modeling (ISM).

The Results show that knowledge Economics is located in the most fundamental layer of ISM Model, and Jihadi management, Self-sufficiency, Justice-orientation, Endogenousity, and Public participation concepts are in the middle layer, and finally Resilience, Non-oil economy, Transparency and export orientation come next.

# Key Words

Resistive Economics, Interpretive Structural Modeling, Resistive Economics Implementation, Thematic Analysis

# مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از شکل‌گیری تا به امروز همواره با تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی مواجه بوده است. هر چند بسیاری از این مشکل‌ها به دلیل دشمنی کشورهای متخاصم يا اعمال تحریم‌ها و مسائلی از این دست بوده است، اما نبود تفکری یک‌پارچه و مبتنی بر ظرفیت‌ها ایران اسلامی در مواجهه با مسائل و استفاده از ظرفیت‌های داخلی عاملی جدی در عدم پیشرفت اقتصادی کشور مبتنی بر برنامه‌های توسعه می‌باشد.

رهبر معظم انقلاب با مطرح کردن مفهوم «اقتصاد مقاومتی» در سال 1389 برای اولین بار، گفتمان جدیدی را در مدیریت اقتصادی کشور ایجاد کرده‌اند و تاکید داشته‌اند که این مفهوم اقتصاد کشور را از معضلات بسياري رها خواهد کرد. زيرا دور زدن تحریم‌ها راه‌حلی موقتی است که نمی توان اقتصاد کشور را بر پایه آن بنا نهاد و تنها اتکا بر درون نظام است که راه‌حل کشور برای رها شدن از فشار تحریم‌ها برای همیشه است. (مقام معظم رهبری، 16/6/1389) هم‌چنین رهبر معظم انقلاب در سال 95 نیز تحقق بخشیدن به این اقتصاد را جزو یکی از سه اولویت اول کشور برشمردند.(مقام معظم رهبری، 1/1/1395)

مسئله‌اي که در اين ميان وجود دارد آن است که اقتصاد مقاومتی مفهومی تازه‌بنیاد در ادبیات علمی و اقتصادی است و جایگاه آن در میان سایر مفاهيم اقتصادی دچار ابهام است. زماني که از ديگر مفاهيم و سياست‌هاي اقتصادي نام مي‌بريم، مشخص است که مسير دستيابي به آن مفهوم چگونه است. اما در اين چند سال مفاهیم بسیاری را ذيل مفهوم اقتصاد مقاومتی نام برده‌اند که از آن جمله می‌توان به مفاهیمی هم‌چون: اقتدار، تاب‌آوري، دانش‌بنیاني، استقلال و غيره؛ اشاره نمود که ارتباط اين مفاهيم با يکديگر و تقدم و تاخر آن‌ها نسبت به همديگر روشن نيست تا بتوان مسير پياده‌سازي اقتصاد مقاومتي را به درستي ترسيم نمود.

به دیگر سخن تا کنون مدلي در خصوص اقتصاد مقاومتي ترسيم نشده است که ارتباط ساختاري ميان مفاهيم گوناگون طرح شده را با یکدیگر تبیین نماید. این مقاله به دنبال آن است تا با احصا مجموعه مفاهيم طرح شده ذيل اقتصاد مقاومتي، مدلی ساختاري را تدوين نمايد که ارتباط ميان اين مفاهيم را ساختاربندي نموده و در نتيجه مسير پياده‌سازي اين سياست کلان را هموار نمايد.

بدين منظور پس از مرور تعاريف مجموعه مفاهيمي که حول محور اقتصاد مقاومتي طرح مي‌شود، روش مدلسازي ساختاري متناسب با تعريف مسئله ارايه شده و با دستيابي به مدل ساختاري اين مفاهيم، پيشنهادات سياستي استخراج گرديده است.

# ادبيات نظري

## اقتصاد مقاومتی

خوانش مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی خوانشی متفاوت از اقتصاد ریاضتی و یا از این دست مفاهیم است که در ادبيات مرسوم اقتصادي تعریف می‏شود. مقام معظم رهبری در تعریف اقتصاد مقاومتی مي‌فرمايند: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌‌پذیریش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.» (مقام معظم رهبری، 02/06/1391)

«اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان میدهد و اجازه میدهد که حتّی در شرائط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند.» (مقام معظم رهبری، 18/07/1391)

«اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» (مقام معظم رهبری، 16/05/1391)

در مجموع مي‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری، اقتصادی است که دو ویژگی اساسی دارد: (میرمعزی, 1391)

* در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‏بیند.
* تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می‌کند.

براي آنکه بتوان تصوير درستي از اقتصاد مقاومتي و مفاهيم طرح شده توسط مقام معظم رهبري در آن حوزه داشت، نياز به استخراج و احصاي مجموعه مفهوم‌هايي است که توسط ايشان در آن حوزه تعريف شده است. بدين منظور يک پژوهش مقدماتي با استفاده از روش تحليل مضموني[[1]](#footnote-1) صورت گرفت تا شبکه مضمون‌هاي اقتصاد مقاومتي استخراج گردد. توضيحات مربوط به پياده‌سازي اين روش در بخش روش پژوهش آمده است.

با تحليل مضمون‌هاي ادبيات طرح شده توسط مقام معظم رهبري از سال 1389 تاکنون، در نهايت ده مضمون به دست آمد که شبکه مضموني اقتصاد مقاومتي را در ادبيات ايشان تشکيل مي‌دهند. اين مفاهيم عبارتند از:

* تاب‌آوري
* دانش بنیاني
* درون‌زايي
* عدم اتکا به نفت نفت
* مردمی
* برون‌‌گرايي
* عدالت‌محوري
* خودکفايي
* مدیریت جهادی
* شفافيت

همان‌طور که در بخش مقدمه از مقاله آمد، هدف از انجام اين پژوهش آن است که رابطه ساختاري ميان اين مفاهيم به دست آيد. اما در ابتدا تعريف هر يک از اين مفاهيم در ادامه ارايه خواهد شد.

## تاب‏آوري

تاب‏آوری[[2]](#footnote-2) در یک نظام، به معنی آن است که نظام بتواند کارکردهای خود را با وجود نوسانات محیطی انجام دهد (Martin, et.al, 2011) «تاب‏آوری در چهار دهه گذشته به نحو وسیعی توسط رشته‏های گوناگون علمی به کار گرفته شده‏است. علاوه بر روان‏شناسی، کاربرد این واژه را می‏توان در علوم سیاسی، مدیریت بازرگانی، جامعه‎شناسی، تاریخ، مدیریت و برنامه‎ریزی بحران، برنامه‏ریزی شهری و توسعه بین‎الملل یافت. این استفاده مشترک هرگز به معنای یکسانیِ مفهوم یا پشتوانه نظری مربوطه به آن نیست. کاربردهای گوناگون، روش‎ها و روش‎شناسی‎های متفاوتی دارد. کاربرد این مفهوم، به ویژه پس از بحران مالی 2008، در اقتصاد بیشتر شده‏است. به گونه‏ای که مجمع جهانی اقتصاد در پیوست سند گزارش مخاطرات جهانی2013 خود، گزارش ویژه‎ای با عنوان ایجاد تاب‎آوری ملی در برابر مخاطره‎های جهانی منتشر کرده است.» (سیفلو، 1393)

تاب‏آوری اقتصادی نشان میدهد که چگونه یک اقتصاد کوچک می‏تواند با اتخاذ سیاست‏های مناسب به یک سطح نسبتا بالایی از تولید ناخالص داخلی (GDP) برسد. به عبارت دیگر، عملکرد اقتصادی نسبتا خوب تعدادی از کشورهای کوچک علی‏رغم اندازه کوچک اقتصاد آن‏ها و آسیب پذیری ذاتی اقتصادشان؛ با تدوین سیاست‏های غلبه بر عواقب نامطلوب از آسیب‏پذیری اقتصادی ناشی شده‎است. *(Briguglio, et.al, 2008)*

## دانش‏بنیاني

اقتصاد دانش‏بنیان[[3]](#footnote-3)، نظام اقتصادی است که در آن علم و دانش منشا اصلی کسب ثروت برای جامعه باشد. در دو دهه‏ای که گذشت، به طور خاص در طول دهه گذشته، اقتصاددانان به صورت سیستماتیک شروع به نظریه پردازی، اندازه گیری و فرضیه آزمون در اقتصاد دانش‏بنیان کردند. این به صورت کاملا مشهود در انواع شغل‏ها، ثروت‏های جدید، محصولات تازه و ارتباطات تجاری بدیع هویداست. این‏ها همه نشات گرفته از ویژگی‏های فراگیر دانش‏بنیان بودن است. (Harris, 2001)

 در اقتصاد دانـش‎بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطـلاعات، عـامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی فعالیت‌های اقتصادی است، فرایندهای خلق و ایجاد دانش، فراگیری و اکتساب آن، پخش و اشاعه و کاربرد عملی آن باید به دقت برنامه‌ریزی شود تا بازخورد بین فرایندهای مذکور، پیشرفت اقتصاد دانش بنیان را تـضمین کند. (معمارنژاد, 1384)

## درون‏زايي

در نیمه دوم دهه 1980 به دنبال بهبود فعالیت‌های اقتصادی،دنیا شاهد‌ اوج‌گیری‌ نظریه‌های تجارت خارجی و رشد اقتصادی شد که ریـشه ایـن بـحث‌ها در‌ حوزه‌ نظریه‌های‌ تجارت خارجی از شـاخص لئونتـیف نـشأت گرفته که طی آن مزیت‌ها را نه از‌ نظر‌ موقعیت‌ طبیعی ایستا بلکه از نظر موقعیتی پویا تعریف می‌کند. نظریه‌های رشد‌ اقتصادی‌ هم که در ایـن دوران دسـتخوش پیـشرفت‌های قابل توجهی بود،خود را در قالبی جدید به نام‌"نظریه‌های‌ رشـد‌ درون‏زا[[4]](#footnote-4)"، معرفی می‌کند. در حقیقت مدل‌های رشد درون‏زا به سمت پیوند دادن نظریه‌ تجارت‌ خارجی و رشد اقتصادی حرکت می‌کنند. مدل‌های رشد‌ اقتصاد‌ درون‏زا‌ بـه‌طور اتـفاقی و تصادفی پدید نیامده‌اند بلکه‌ نشأت‌ گرفته از کارهای بی‌شمار اقتصاددانانی اسـت که از زمان آدام اسمیت به بعد‌ هستند‌ و پیشرفت در مطالعات رشد‌ درون‏زا‌ بیانگر نارضایتی‌ از‌ آثار‌ رشد سولو بود که مـی‌توان بـه‌ بـازده‌ فزاینده نسبت به مقیاس کالدور[[5]](#footnote-5)، آموزش حین کار اَرو[[6]](#footnote-6)، نقش سرمایه انسانی اوزاوا[[7]](#footnote-7) اشـاره کـرد. (مرادی و همکاران، 1384)

‌‌‌نـظریه‌های‌ رشد درون‏زا بهترین راه هم‏گرایی و کاهش شکاف بین اقتصادهای ضعیف و قوی‌ را روی‌ آوردن‌ بـه تـولید عـلم و دانش میدانند. برای دستیابی به این مهم نه تنها تخصیص مداوم و فزاینده منابع به این بـخش لازم است، بلکه زیر ساخت‌های لازم برای بهره‌برداری‌ از آن باید فراهم‌ گردد‌ و این وظیفه دولت است. (خلیلی عراقی و همکاران، 1384)

در اقتصاد درون‎زا خام فروشی و وابستگی درست تلقی نمی‏شود و پیشرفت اقتصادی با رویکردهای پیچیده و مفید که سبب پیشرفت علم و تکنولوژی همراه با اشتغال زایی است در نظر گرفته می‏شود. اگرچه این به معنای عدم توجه به صنایع مادر همچون صنعت نفت و معدن نیست بلکه برعکس باید زنجیره تولید و تبدیل این دو کالا ارزشمند و استراتژیک را تکمیل کرد.

## اقتصاد بدون نفت[[8]](#footnote-8)

از زمان پیدایش نفت در ایران وابستگی نظام اقتصادی ایران به فروش نفت خام سالانه افزایش پیدا کرده‏است. این نکته که موجب تبدیل شدن اقتصاد ایران به اقتصاد تک محصولی[[9]](#footnote-9) شده‏است. برنامه‌ سوم توسعه اقتصادی،‌ اجتماعی،‌ سیاسی و فرهنگی کشور بر مـبنای صـادرات غیر نفتی استوار گردیده اسـت و همچنین بـحثهای‌ موجود در ارتباط با حذف اقلام انـرژی‌ و مـنابع‌ طبیعی‌ از‌ لیست‌ صادرات کشور، و بالاخره لزوم شکوفایی اقتصاد کشور در بخش صادرات غیر نـفتی و عـدم وابستگی کشور به اقتصاد تک مـحصولی، چنین به نظر مـی‌رسد کـه اقتصاد بدون نفت در حال سیاست‏گذاری در ایران می‏باشد. (نعمتی زاده و همکاران، 1383)

صادرات نفت در کشورهای نفت‏خیز تامین کننده نیازهای ارزی کشور و تامین کننده اصلی مخارج دولت است. لذا برنامه‏ریزی توسعه در این کشورها منوط به چنین درآمدهایی است و عدم تحقق درآمدهای از پیش تعیین شده می‎تواند قسمتی از برنامه‏های توسعه‏ای را تعطیل کند و در عمل اقتصاد را به نرخ رشد مورد نظر نرساند. . (کامفیروزیو همکاران، 1392) با توجه به اینکه در آینده نزدیک مزیت رقابتی کشور در زمینه صـنعت نـفت از دست خواهد رفت و میزان تـولید نـفت کـفاف‌ مصرف‌ داخلی را نـیز نـخواهد داشت، پرداختن به مـوضوع اقتصاد بدون نفت و خروج از اقتصاد تک محصولی مهم و ضروری به نظر می‏رسد. (نعمتی زاده و همکاران، 1383)

## اقتصاد مردمی[[10]](#footnote-10)

اقتصاد ملی‌ بـه‌ مـثابه‌ یک سیستم جامع (کل) است کـه ‌‌خود‌ متشکل از سه خرده سیستم اصلی (اقتصاد مردمی،خصوصی و دولتی) است که بر هم تـأثیرگذار‌ و از‌ هـم تأثیر پذیرند و به عبارت بهتر، دارای روابـط متقابل می‌باشند. در این صـورت،اقتصاد مردمی به عنوان‌ یک خرده سـیستم اصـلی از اقتصاد ملی، نقش موثر و با اهمیتی در‌ جامعیت بخشیدن به نظام‌ اقتصادی‌ و توسعه آن خـواهد داشـت، خصوصا اگر شرکت‌های تعاونی[[11]](#footnote-11) بـه رسـالت حـوزه به منزله مـراکز اقـتصادی مردمی و مطمئن برای تـأمین نـیازهای اقتصادی توده‌ها عمل کنند و این نیازها را با‌ شیوه‌های مناسب، ارزان، با کیفیت، سریع و آسان در دسترس هـمه قـرار دهند. (عباسی، 1380)

یک ارزش مهم اقتصاد مردمی، سالم‌سازی و به‏سازی‌ محیط‌ اقتصادی‌ جامعه است. به موجب بهره‌گیری‌ از مدیریت مشارکتی و اصل‌خودیاری‌، کانون‏های اقتصاد مـردمی هـستند کـه یک‌ جریان بالندهء اقتصاد سالم را تشکیل‌ داده‌اند. جریانی که مبارزه و پیشگیری از آلودگی‎های‌ اقتصادی‌ را (مانند احـتکار، گران‎فروشی، تورم، واسطه‌گری، دلال‌بازی‌ و ...)در دسـتور کار‌ خود‌ قرار داده و به مثابه یک فلسفه و هدف بنیادی مورد نظر دارد. (عباسی، 1379)

تجمع سـرمایه‌های انـدک برای‌ تشکیل سرمایه کلان جهت‌ خـدمت‌ بـه‌ شکوفایی اقتصاد کشور، سمت و سـوددهی به‌ گردش‌ سرمایه‌های‌ مردم در راستای‌ طرح‌ها‌ و ابـتکارات اقـتصادی‌ کلان کشور، گامی‌ اساسی در بهبود شرایط اجتماعی و پیشرفت اقتصادی است که با اقتصاد مردمی محقق می‏شود. فرآیند توسعه و گسترش اقتصاد مردمی در زمـینه‌های: ایجاد اشتغال هرچه بیشتر، انجام‌ فعالیت‌ها‌ و خدمات‌ اقـتصادی ارزان و باصرفه‌تر، رشد استعدادها و خلاقیت اعضا، توسعه‌ روابـط عادلانه‌ در‌ فـعالیت‌های‌ اقتصادی، توجه‌ به‌ رفع‌ نیازهای واقعی مـحلی، ایجاد روحـیه سازندگی‌ و نه مصرف‌گرایی، ارتقاء درآمدهای فردی و گروهی و بالطبع فراهم‌سازی شرایط زیست‌ انسانی، چشم‌اندازی روشن و امیدوار کننده در پیـش‌رو مـی‌گشاید. (محمدی، 1373)

## اقتصاد برون‏گرا[[12]](#footnote-12)

ایجاد اشتغال برای خیل‌ بیکاران‌ جامعه‌ اعم از دانش آموختگان رشته‌های‌ مختلف‌ در‌ سطوح آموزش عالی تا افراد کم تخصص و احیانا بی‌سواد از ضـروریات امـروز جوامع مختلف است.رقم بیکاری رو به افزایش‏ست چرا که از یک طرف سیاست دولت‏ها در جهت کاهش تصدی‌گری دولت در عـرصه‌های‌ مـختلف‌ از‌ جـمله حوزه اقتصادی است و از‌ طرف‌ دیگر‌ بخش‎های غیردولتی از حمایت و پشتیبانی‌های مادی و مـعنوی بـرخوردار نـیست‌ و کسب و کارهای کوچک و بزرگ با مشکلات زیادی از جـمله، عـدم سرمایه اولیه، عدم برخورداری‌ از‌ نیروی‌ انسانی آموزش دیده و با تجربه، عدم ایجاد فرهنگ کارآفرینی و درجا‌ زدن‌ بین‌ سنت‌های گـذشته کـارهای اقـتصادی و گذار به مرحله صنعتی و در مجموع ساختمند نشدن‌ اقتصاد‌ در‌ بخش غـیردولتی مواجه است. در این شرایط فعالیتهای کارآفرینانه، می‌تواند به ایـجاد فـرصت‌های جـدید اقتصادی منجر شود. این فرصت‏ها جدید اقتصادی زمانی محقق می‏شوند که اقتصاد ایستا نباشد و در اقتصاد ایستا کارآفرینی به نابودی محکوم است. اقتصاد پویاست که می‏تواند تعادل در بازار جهانی و رونق کسب و کار را باعث شود. نگاه به اقتصاد پویا و تعادل حاصل از آن همان تعریف اقتصاد برون‏گراست. (هزار جریبی، 1384) اقتصاد برون‏گرا با اقتصاد باز دارای تفاوت‏های مشخصی هست و در اقتصاد برون گرا اکثر توجه به پویایی و روش‏های سودآوری پروژه‏ها معطوف است. (Xiang, 2004)

## عدالت محوري[[13]](#footnote-13)

عدالت محوري در اقتصاد برقراری توسعه‌‌ گسترده و‌ فراگیر را در نظر دارد، به گونه‌ای کـه رفـتار اقتصادی موجب تخریب اصول، جامعه و محیط زیست نگردد. با رعایت موازین عدالت در زمـینه اقتصادی، رقابت‌های خشن، بی‌مهار و بـی‌حد و مرزی‌ که‌ در‌ اقتصاد بازار و اقتصاد آزاد مشاهده می‌شود، شکل نمی‌یابد و بهره‌برداری حریصانه و سود محور‌ از‌ محیط‌ زیـست نـفی می‌گردد و شکاف طبقاتی و فاصله‌ی ناعادلانه میان دهک‌های مختلف جامعه ایجاد نمی‌شود. با‌ از بین بـردن و کـنترل شـکاف طبقاتی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، فاصله‌ میان سطح دسترسی به فرصت‌های برابر بـرای برخورداری از مـواهب طبیعی میان مردم در یک‌ نسل‌ و نسل‌های مختلف در کشوراز میان می‌رود. عـدالت‌ محوری‌ در‌ فعالیت‌های اقتصادی رعایت تعادل‌های طبقاتی،منطقه‌ای، قومیتی و بین نسلی است که ضمن پرهیز از رقابت‌های ناسالم و بی‌مهار‌ رایج‌ در اقـتصاد بـازار آزاد انـجام می‌شود. (شیرازی و همکاران، 1389) از سوی دیگر، توزیع عادلانه درآمد نقش مهمی در ایجاد رشد اقتصادی بلند مدت دارد، که می تواند در رفاه اجتماعی[[14]](#footnote-14) و اقتصاد عدالت محور در جامعه نقش ایفا کند. (Talebi, et.al, 2014)

##  خودکفايي[[15]](#footnote-15)

مفهوم خودکفایی اقتصادی را میتوان با استقلال اقتصادی[[16]](#footnote-16) یکسان در نظر گرفت. فهم اقتصاد خودکفا با استفاده از مثال بخش کشاورزی مناسب‏تر خواهد بود. خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی و داشتن مزارع خودکفا در تولیدات کشاورزی از عناوین مهم اقتصاد خودکفاست. (بری، 1387) خودکفایی در مقابل وابستگی[[17]](#footnote-17) اقتصادی قرار می‎گیرد. کاهش وابستگی یعنی صحبت از کـاهش واردات، کاهش‌ باید‌ از کالاهای‌ مصرفی و واسطه‌ای شروع شود؛ زیرا‌ در‌ کشوری که‌ سازنده‌ کالاهای‌ سرمایه‌ای‌ نیست برای رشد و توسعه‌ اقتصادی کشور، به واردات کالاهای سرمایه‌ای نیاز خواهد بود و نتیجتا در کاهش واردات، ورود کالاهای سرمایه‌ای از اولویت‌ بیشتری‌ برخوردار است. اما در گزینش کـالاهای‌ سرمایه‌ای بـاید‌ مراقبت‌ کرد؛ نوعی‌ کالاهای‌ سرمایه‌ای‌ وارد شود که قابلیت‌ بومی‌ شدن و تلفیق و ادغام در تکنولوژی‌ مناسب داخلی را دارا باشد زیرا در غیر این‏صورت واردات‌ کالاهای‌ سرمایه‌ای‌ متضمن‌ وابستگی عمیق‌تری است که‌ رهائی از آن نیز‌ مشکل‎‏‏‏‏‏تر‌ خواهد‌ بود. راه حل اساسی این عدم وابستگی انتخاب و ایجاد صنایعی مستقل و ملی می‏باشد که در جهت‌ خودکفائی، استقلال اقتصادی کشور تلاش می‏کند. این صنایع بایستی در ارتباط با بخش‌ کشاورزی بوده و بتواند نیازهای واقعی اکثریت افراد جامعه‌ را تأمین کند. ( امینی، 1365)

## مدیریت جهادی

مدیریت جهادی را نوعی روحیه و فرهنگ مبارزه‏جویی و کنشگری آگاهانه، معنا و تفسیر می‏کنند؛ معنایی که در فرهنگ اسلامی-ملی ما مصداق‏های فراوانی برای آن می‏توان برشمرد. (سلطانی، 1393) جهاد به عنوان یک پدیده که بار فرهنگی در مکتب اسلام دارد، آنگاه که به عنوان صفت نوع خاصی از سازمان به‏کار می‏رود، فرهنگ سازمانی را تحت تاثیر قرار می‏دهد. این فرهنگ که می‏توان آن‏را فرهنگ جهادی نامید، نیز به نوبه خود تاثیر قابل ملاحظه‏ای بر مدیریت آن سازمان دارد. (مرتضوی و همکاران، 1391) « مـديريت جـهادي هـمان کار و تلاش با نيت الهي و مبتني‌ بر علم و درايت است.‌» (هزاوئی و همکاران، 1393)

## شفافيت

شفافیت[[18]](#footnote-18)؛ افزایش جریان به موقع و قابل اعتماد اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توصیف می‏شود. . (Vishwanath, et.al, 2001) نـاامنى‌ اقتصادى‌ به‌ شرايط ناشى از فقدان شفافیت اقتصادى اطلاق‌ مى‌شود‌. (سیف, 1389) تخصیص بـهینه سرمایه برای شروع فعالیت‏های اقتصادی زمانی اتفاق می‌افتد که فعالان بازار اطلاعات‌ معتبر‌، قابل‌ اتکاء، بی طرف و منصفانه‌ای در خصوص آثار اقتصادی مـعاملات در اخـتیار داشـته‌ باشند‌. اطلاعات‌ زیاد‌ منجر به افزایش اطمینان نمی‌گردد، بلکه این شفافیت اطلاعات است که عدم اطمینان را‌ کـاهش‌ مـی‌دهد. شفافیت برای اقتصاد نـیز ضـروری است، زیرا باعث بهبود تخصیص منابع می‌گردد و به طور‌ مستقیم‌ با کارایی و رشـد اقـتصادی سـر و کار دارد. نقصان اطلاعات شفاف در بازار‌ موجب‌ افزایش‌ هزینه معاملات و شکست بازار خواهد شد. (بولو & رحمانی مهر, 1392)

# روش تحقیق

در این مقاله و به منظور مدل‌سازی ساختاری گونه‌های مختلف اقتصاد از روش «مدل‌سازی ساختاری تفسیری» استفاده شده است. این روش در واقع کاربردی سیستمی از نشانه‌گذاری نظریه گراف‌ها برای مدل‌سازی‌های الگوهای پیچیده می‌باشد. (malone, 1975) در واقع این روش مدل‌سازی می‌تواند سه نوع از متغیرها را که در بیشتر روش‌های کمی امکان تحلیل آن‌ها به صورت همزمان وجود ندارد را تحلیل نماید که عبارتند از: (Bolanos, et.al, 2005)

1. متغیرهای مرتبط با تاریخ، حافظه و تجربه
2. متغیرهای مرتبط با انتظارات و پیش‌بینی‌ها
3. متغیرهای مرتبط با نیازها، اهداف و ارزش‌ها

از آن‌جا که موضوعات اجتماعی اغلب موضوعاتی بدرفتار، پیچیده و پویا هستند نیاز است تا روش‌شناسی متناسب با این مسائل انتخاب شود. (Bolanos, et.al, 2005) این رویکرد افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد تا روابط پیچیده بین تعداد زیادی از عناصر را در یک موقعیت بدرفتار و پویا تحلیل نماید. (آذر و همکاران، 1392) برای انجام مدل‌سازی به روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری باید از مراحل زیر تبعیت نمود: (Siddiqui, 2016)

1. **شناسایی متغیرهای مرتبط با مساله** در یک زمینه مشخص اجتماعی
2. **ماتریس خودتعاملی ساختاری** تا بتوان متغیرهای مساله را به صورت زوجی بررسی کرد.
3. **تشکیل ماتریس دسترسی اولیه**: در این مرحله ماتریس خودتعاملی به ماترسی بولی تبدیل می‌شود.
4. **تشکیل ماتریس دسترسی نهایی**: تا بتوان لایه‌های مختلف مدل را از روی آن تشخیص داده و ضریب وابستگی و نفوذ هر متغیر را بررسی نمود.
5. **بخش بندی سطح**: در این مرحله ماتریس دسترسی نهایی به سطوح مختلفی تقسیم می‌شود. معمولا در سیستم‌های بزرگ روابط شبکه‌ای بین عناصر سیستم بر پیچیدگی ان می‌افزاید که با سطح‌بندی مدل می‌توان این پیچیدگی را کاهش داد.
6. **رسم مدل**: در این مرحله با توجه به سطح‌بندی متغیرها و ماتریس دسترسی نهایی مدل نهایی متغیرها رسم می‌شود.
7. **تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC)** : دراین مرحله متغیرها در چهاردسته طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توان آن‌ها را به صورت زیر نمایش داد:

جدول 1- انواع متغیرهای جدول MICMAC

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وابستگی ضعیف | وابستگی قوی |  |
| نفوذ | پیوندی | نفوذ قوی |
| خودمختار | وابسته | نفوذ ضعیف |

در اين پژوهش براي پياده‌سازي گام اول اين پژوهش (شناسايي متغيرهاي مرتبط با مسئله) يک پژوهش از نوع تحليل مضموني صورت گرفته است. در تعريفي خلاصه مي‌توان تحليل مضموني را به اين صورت تعريف کرد: تحليل مضموني «روش شناسايي، تحليل و گزارش الگوها يا مضامين داده‌ها است.» اين روش از روش‌هاي پايه‌اي در تحليل داده‌ها شمرده مي‌شود و نقطه قوت آن آن است که محدوديت‌هاي مفروضات روش‌هايي همانند نظريه‌پردازي داده‌بنياد[[19]](#footnote-19) و تحليل گفتمان انتقادي[[20]](#footnote-20) را ندارد. (Braun, et.al, 2006)

گام‌هاي انجام يک تحليل مضموني بطور خلاصه به شرح زير است[[21]](#footnote-21): (Braun, et.al, 2006)

1. آشنايي با داده‌ها: پياده‌سازي داده‌ها، مطالعه مکرر و نگارش برداشت‌هاي اوليه
2. تدوين کدهاي اوليه: کدگذاري موارد جالب توجه بصورت سيستمي در کل متن، و انتساب بخش‌هاي مرتبط از متن به هر يک از کدها.
3. جستجو براي مضامين: تلفيق کدهاي مختلف براي دستيابي به کدهاي احتمالي، و جمع‌آوري داده‌هاي مرتبط با آن مضمون ذيل هر يک.
4. بازبيني مضمون‌ها: کنترل مضمون‌ها با کدهاي استخراج شده و مجموعه داده‌ها، که منتج به ترسيم «نقشه مضموني» تحليل مي‌شود.
5. تعريف و نام‌گذاري مضمون‌ها: تحليل مکرر بمنظور تحديد ويژگي‌هاي هر مضمون و مجموعه مضامين. اين مرحله به تعريف روشن و نام‌گذاري دقيق هر مضمون مي‌شود.
6. تدوين گزارش: آخرين مرحله تحليل است که در آن مواردي از تحليل‌ها را انتخاب کرده و مورد تحليل قرار داده و ارتباط آن‌ها با سوالات و پيشينه پژوهش نشان داده مي‌شود که در نتيجه گزارشي علمي از تحليل حاصل شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای انجام این تحقیق ابتدا مجموعه بيانات و سخنراني‌هاي مقام معظم رهبري از سال 1389 تاکنون که به نحوي با مفهوم اقتصاد مقاومتي ارتباط مي‌يافت، مورد تحليل و کدگذاري اوليه قرار گرفت. سپس با بازبيني مضمون‌ها و رفع همپوشاني‌ها، نهايتا مجموعه 10 مضمون به دست آمد که در بخش مرور ادبيات نظري معرفي گرديدند. سپس اين مضمون‌ها به عنوان متغيرهاي مرتبط با مسئله وارد روش مدلسازي ساختاري تفسيري گرديدند. اين 10 مضمون به عنوان گويه‌هاي پرسشنامه استاندارد مدلسازي ساختاري تفسيري تلقي گرديدند.

براي جمع‌آوري داده‌ها لازم براي مدلسازي ساختاري-تفسيري 30 پرسشنامه بین خبرگان این حوزه پخش شد که از بین آن‌ها 20 پرسشنامه بازگشت داده شد که مطابق استاندارهای ISM تنها 14 پرسشنامه قابلیت تحلیل را دارا بودند. خبرگان انتخاب شده داراي شرايط ذيل بودند:

* داراي تحصيلات کارشناسی ارشد و دکترای در رشته اقتصاد بوده‌اند.
* آشنايي نظري کافي با مفهوم اقتصاد مقاومتي داشته‌اند.
* از قبل بيانات مقام معظم رهبري در مورد اقتصاد مقاومتي را مطالعه نموده بودند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد مدلسازي ساختاري-تفسيري استفاده شد که در آن مجموعه متغيرهاي مرتبط با مسئله در يک ماتريس قرار مي‌گيرند و براي پر کردن آن از راهنماي ذيل استفاده مي‌شود:

جدول 2: راهنمای تکمیل پرسشنامه ISM

|  |  |
| --- | --- |
| نماد | معنا |
| V | عامل سطر (i) می تواند زمینه ساز عامل ستون (j) باشد. |
| A | عامل ستون (j) می تواند زمینه ساز عامل سطر (i) باشد. |
| X | بین عامل سطر (i) و و ستون (j) ارتباط دوطرفه وجود دارد. |
| O | هیچ نوع ارتباطی میان این دو عنصر (i و j) وجود ندارد.  |

پس از يکپارچه‌سازي پرسشنامه‌ها در نهايت ماتريس ساختاري روابط دروني متغيرها به صورت ذيل به دست آمد. سپس برای تبدیل اين ماتريس به ماتريس دسترسی اولیه از قاعده ذيل استفاده شد: (Faisal et al, 2006؛ Gorane and Kant، 2013)

* اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد V گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد 1 می گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد صفر می­گیرد
* اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد A گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد صفر می گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد 1 می گیرد
* اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نماد X گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد 1 می گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد 1 می گیرد
* اگر خانه (i,j) در ماتریس SSIM نمادO گرفته است، خانه مربوط به این نماد در ماتریس دستیابی عدد صفر می گیرد و خانه قرینه آن یعنی (j,i) عدد صفر می گیرد

در نهايت ماتريس دسترسي اوليه به صورت ذيل به دست آمد:

جدول 3 : ماتريس دسترسي اوليه

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| معیار: تاثیر در تحقق | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 9 | 10 |
| 1 | تاب‌آوري | 0 | 0 | 0 | 1 | 1 | 0 | 0 | 1 | 1 | 0 |
| 2 | دانش بنیاني | 1 | 0 | 1 | 1 | 1 | 0 | 1 | 1 | 0 | 0 |
| 3 | درون‌زايي | 1 | 1 | 0 | 0 | 1 | 0 | 1 | 1 | 1 | 0 |
| 4 | عدم اتکا به نفت نفت | 1 | 0 | 1 | 0 | 0 | 0 | 0 | 1 | 0 | 0 |
| 5 | مردمی | 1 | 0 | 1 | 0 | 0 | 0 | 1 | 1 | 0 | 1 |
| 6 | برون‌‌گرايي | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 |
| 7 | عدالت‌محوري | 1 | 0 | 0 | 0 | 1 | 0 | 0 | 1 | 1 | 1 |
| 8 | خودکفايي | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 0 | 0 | 0 |
| 9 | مدیریت جهادی | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 0 | 0 |
| 10 | شفافيت | 0 | 0 | 0 | 0 | 1 | 0 | 1 | 0 | 0 | 0 |

پس از اینکه ماتریس اولیه دستیابی به دست آمد باید از وجود سازگاری درونی آن اطمینان حاصل گردد. این اطمینان باید توسط پژوهشگران حاصل شود و نمی‌توان انتظار داشت که مشارکت‌کنندگان به صورت دقیق این قاعده را رعایت نمایند. وارفیلد در مقاله خود (1974) نشان می دهد که با استفاده از محاسبات ریاضی می‌توان تراوایی[[22]](#footnote-22) را در ماتریس جاری ساخت. منظور از قاعده تراوایی آن است که اگر متغیر الف بر روی متغیر ب تأثیر می گذارد و از طرفی متغیر ب بر روی متغیر ج اثر گذار است، در نتیجه می‌بایست متغیر الف بر روی متغیر ج نیز اثرگذار باشد. لذا اگر در ماتریس دستیابی این روابط برقرار نبود می‌بایست از طریق محاسبات ریاضی و یا با تغییر دستی ماتریس دستیابی اولیه، ماتریس اصلاح شده و روابط مورد نظر جایگزین شوند. (Warfield, 1974)

با رعايت قاعده فوق ماتريس دستيابي نهايي به صورت ذيل به دست مي‌آيد:

جدول 4: ماتريس دسترسي نهايي

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| معیار: تاثیر در تحقق | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 9 | 10 |
| 1 | تاب‌آوري | 1 \* | 0 | 1 \* | 1 | 1 | 0 | 1 \* | 1 | 1 | 1 \* |
| 2 | دانش بنیاني | 1 | 1 \* | 1 | 1 | 1 | 1 \* | 1 | 1 | 1 \* | 1 \* |
| 3 | درون‌زايي | 1 | 1 | 1 \* | 1 \* | 1 | 1 \* | 1 | 1 | 1 | 1 \* |
| 4 | عدم اتکا به نفت نفت | 1 | 1 \* | 1 | 1 \* | 1 \* | 1 \* | 1 \* | 1 | 1 \* | 0 |
| 5 | مردمی | 1 | 1 \* | 1 | 1 \* | 1 \* | 1 \* | 1 | 1 | 1 \* | 1 |
| 6 | برون‌‌گرايي | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 |
| 7 | عدالت‌محوري | 1 | 1 \* | 1 \* | 1 \* | 1 | 1 \* | 1 \* | 1 | 1 | 1 |
| 8 | خودکفايي | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 \* | 1 \* | 1 \* |
| 9 | مدیریت جهادی | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 | 1 \* | 1 \* |
| 10 | شفافيت | 1 \* | 0 | 1 \* | 0 | 1 | 0 | 1 | 1 \* | 1 \* | 1 \* |

در مرحله بعد باید متغیرها را برای رسم مدل سطح‌بندی نمود. یعنی باید متغیرهای خروجی و ورودی را برای هر متغیر مشخص نمود تا بتوان متغیرها را سطح‌بندی نمود. (آذر و همکاران، 1392)

**متغیر ورودی**: متغیرهایی هستند که از آن جزء نشات گرفته‌اند. اعداد «1» هر سطر نشان می‌دهد چه متغیرهایی از آن خارج شده‌اند.

**متغیر خروجی**: متغیرهایی هستند که آن جزء از آن نشات گرفته‌ است. اعداد «1» هر ستون نشان می‌دهد متغیر مورد نظر از چه متغیری خارج شده است.

با توجه به جدول بالا می‌توان متغیرها را به صورت زیر سطح‌بندی کرد:

جدول 5:سطح‌بندي متغيرها

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | عنوان | پيش‌نياز | دسترسي | اشتراک | سطح |
| 1 | تاب‌آوري | 1و3و4و5و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 1و3و4و5و7و8و9و10 | 1 |
| 2 | دانش بنیاني | 1و2و3و4و5و6و7و8و9و10 | 2و3و4و5و7و8و9 | 2و3و4و5و7و8و9 | 3 |
| 3 | درون‌زايي | 1و2و3و4و5و6و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 2 |
| 4 | عدم اتکا به نفت نفت | 1و2و3و4و5و6و7و8و9 | 1و2و3و4و5و7و8و9 | 1و2و3و4و5و7و8و9 | 1 |
| 5 | مردمی | 1و2و3و4و5و6و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 2 |
| 6 | برون‌‌گرايي | - | 2و3و4و5و7و8و9 | - | 1 |
| 7 | عدالت‌محوري | 1و2و3و4و5و6و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 2 |
| 8 | خودکفايي | 1و2و3و4و5و6و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 2 |
| 9 | مدیریت جهادی | 1و2و3و4و5و6و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 1و2و3و4و5و7و8و9و10 | 2 |
| 10 | شفافيت | 1و3و5و7و8و9و10 | 1و2و3و5و7و8و9و10 | 1و3و5و7و8و9و10 | 1 |

اکنون با توجه به متغیرهای بالا و سطح‌بندی انجام شده می توان مدل ساختاري تفسيري مفاهيم اقتصاد مقاومتي را رسم نمود. همان‌طور که در جدول فوق مشخص است، مجموعه متغيرها در سه سطح قرار گرفته‌اند:

همان‌طور که در مدل نیز مشاهده می‌شود دانش‌بنياني در ريشه‌اي‌ترين لايه مدل قرار گرفته و پيش‌نياز ديگر متغيرهاي اقتصاد مقاومتي است.

# تحليل MICMAC

بر اساس تحليل MICMAC می‌توان متغیرهای مدل ISM را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: (آذر و همکاران، 1392)

* **متغیرهای خودمختار**: این متغیرها نفوذ و وابستگی کمی دارند و تاثیر اندکی بر روابط و پویایی‌های سیستم دارند.
* **متغیرهای وابسته**: متغیرهایی که وابستگی زیادی دارند و نفوذ کمی دارند.
* **متغیرهای مستقل**: این‌گونه متغیرها قدرت نفوذ بالا و وابستگی کمی دارند و اصطلاحا متغیرهای کلیدی نامیده می‌شوند.
* **متغیرهای پیوندی**: این متغیرها قدرت نفوذ و وابستگی بالایی دارند. در واقع هر گونه عملی بر روی این متغیرها منجر به تغییر سایرین خواهد شد.

با عنايت به تعاريف فوق متغيرهاي دخيل در اقتصاد مقاومتي به صورت ذيل در جدول MICMAC جا مي‌گيرند:

شکل 1- جدول MICMAC

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | 3و5و7و8و9 |  | 2 |  |  |  |  |  |  | 10 | زياد |
|  |  | 4 |  |  |  |  |  |  |  | 9 | نفوذ |
|  | 1 |  |  |  |  |  |  |  |  | 8 |
|  |  | 10 |  |  |  |  |  |  |  | 7 |
|  |  |  |  | III | VI |  |  |  |  | 6 |
|  |  |  |  | II | I |  |  |  |  | 5 |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | 4 |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | 3 |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | 2 |
|  |  |  | 6 |  |  |  |  |  |  | 1 | کم |
| 10 | 9 | 8 | 7 | 6 | 5 | 4 | 3 | 2 | 1 |  |
| زياد | وابستگي | کم |

همان‌طور که از نمودار فوق مشخص است، به جز متغير ششم (برون‌گرايي) که جزو متغيرهاي وابسته طبقه‌بندي شده است، مابقي متغيرها در دسته متغيرهاي پيوندي قرار مي‌گيرند که هم نفوذ و هم وابستگي زيادي دارند.

اين امر نشان مي‌دهد که به طور کلي متغيرهاي اقتصاد مقاومتي يک کل به‌هم وابسته هستند که تغيير يا اجراي يکي از آن‌ها اثر بسياري بر ديگر عوامل دارد.

# نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به مدل ارائه شده و جدول MICMAC می‌توان نکات زیر را به عنوان نتایج مستخرج از مدل بیان کرد:

1. برون‌‌گرایی اقتصادی تنها به عنوان خروجی سیستم اقتصادی کشور شناخته شده است و نمی‌توان آن را یکی از عوامل تحقق رشد اقتصادی در کشور قلمداد کرد لذا تاکيد بيش‌از حد بر آن نمي‌تواند اثر مثبتي بر مقاوم‌سازي اقتصاد و تقويت امنيت اقتصادي کشور داشته باشد.
2. دانش‌بنياني پيش‌زمينه تحقق ديگر عناصر اقتصاد مقاومتي است و در صورت تحقق آن مي‌توان به اجراي ديگر اجزا نيز اميد داشت. اقتصاد ملي با ابتنا بر دانش است که مي‌تواند رشد کند و اين مولفه بايد در راس دستور کار سياست‌گذاران اقتصادي کشور باشد.
3. اقتصاد بدون نفت، شفافيت و مقاوم‌سازي اقتصاد زماني شکل خواهد گرفت که با تکيه بر اقتصاد دانش بنيان و با کمک مديريت جهادي، از ظرفيت‌هاي مردمي استفاده درستي صورت گرفته و عدالت اقتصادي محقق شده باشد. لذا همين ترتيب بايد در دستور کار سياست‌گذاران قرار گيرد.

# منابع و مآخذ

1. امینی, ا. (1365). صادرات غیر نفتی ایران، آزمونی دشوار. اطلاعات سیاسی - اقتصادی, 14-17.
2. بری, و. (1387). پایان عصر کشاورزی صنعتی؛ آیا می توانیم آنچه را که از دست داده ایم، دوباره به دست آوریم؟. سیاحت غرب, 93-101.
3. آذر, ع., خسروانی, ف., و جلالی, ر. (1392). تحقیق در عملیات نرم، رویکردهای ساختاردهی مساله. تهران: سازامان مدیریت صنعتی.
4. بولو, ق., و رحمانی مهر, م. (1392). هزینه حقوق صاحبان سهام و شفافیت سود. پژوهشهای تجربی حسابداری, 59-80.
5. جعفری صمیمی, ا., و آملی دیوا, ک. (1389). بررسی رابطه آزادسازی اقتصادی با کارایی دولت در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. پژوهشنامه اقتصادی, 15-38.
6. خلیلی عراقی, ،., و عبدلی, ق. (1384). تابع تولید دانش و تعیین کننده های ملی ظرفیت آن در ایران. نامه مفید, 3-16.
7. سلطانی, م. (1393). مدیریت جهادی؛ چالش ها و الزامات. مدیریت اسلامی, 9-39.
8. سیف, ا. (1389). مفهوم شناسی امنیت اقتصادی. آفاق امنیت, 7-36.
9. سیفلو, س. (1393). مفهوم شناسي اقتصاد مقاومتي . دو فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامي , 151-177.
10. شیرازی رومنان, ح., و علوی, س. (1389). تحلیل ماهیتی سند چشم انداز کشور از نگاه توسعه درون گرا. مطالعات دفاعی استراتژیک, 75-100.
11. صادقی سقدل, ح., و برومند, ی. (1391). تحلیل رابطه بین کارگر و کارفرما و دولت با استفاده از نظریه بازی ها. تحقیقات اقتصادی, 51-68.
12. صامتی, م., گوگردچیان, م., و گوگردچیان, ا. (1389). حلیل تئوریک و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله: مطالعه موردی کشورهای OECD. پژوهشنامه اقتصادی, 95-114.
13. صدیقی فرخ‎شهری, م. (1393). اقتصاد و فرهنگ، عزم ملی و مدیریت جهادی. فرخ‎شهر: آصف.
14. عباسی, م. (1379). اقتصاد تعاونی: ارزشها و پیوستگیهای آن با توسعه ملی. تعاون, 6-10.
15. عباسی, م. (1380). ارزش های اقتصاد تعاونی و نقش آن در توسعه اقتصادی. بانک و اقتصاد, 64-70.
16. کامفیروزی, م., بنیادی نائینی, ع., و موسوی لقمان, س. (1392). بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی. اقتصاد اسلامی, 59-88.
17. محمدی, ف. (1373). چشم انداز تعاونی های اعتبار. تعاون, 22-23.
18. مرادی, م., و مهدی زاده, م. (1384). تجارت خارجی و رشد اقتصادی ایران. اقتصاد و تجارت نوین, 38-72.
19. مرتضوی, م., و زارعپور نصیرآبادی, ف. (1391). فرهنگ سازمان جهادی؛ عامل کلیدی مدیریت جهادی. مهندسی فرهنگی, 100-114.
20. معمارنژاد, ع. (1384). اقتصاد دانـش بنیان:الزامات،نماگرها، موقعیت ایران،چالشها و راهکارها. اقتصاد و تجارت نوین, 83-109.
21. میرمعزی, س. (1391). اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری). فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی, 49-76.
22. نعمتی زاده, س., و تقوی, م. (1383). اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران. پژوهشنامه اقتصادی, 71-96.
23. هزار جریبی, ج. (1384). بررسی نقش کارآفرینی در ایجاد فرصتهای اقتصادی. پژوهشنامه اقتصادی, 237-268.
24. هزاوئی, س., و زیرکی حیدری, ع. (1393). اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی, 9-26.
25. Bolanos, R., Fontela, E., Nenclares, A., & Pastor, P. (2005). Using interpretive structural modelling in strategic decision-making groups. Management Decision, 43(6), 877-895.
26. Briguglio, L., Cordina, G., و Farrugia, N. (2008). Economic vulnerability and resilience concepts and measurements. Economics Research (WIDER), 1-23.
27. Harris, R. G. (2001). The knowledge-based economy: intellectual origins and new economic perspectives. International Journal of Management Reviews , 21-40.
28. malone, D. (1975). An Introduction to the application of interpretive structural modeling. IEEE, 397-404.
29. Martin-Breen, P., و Anderies, J. (2011). Resilience: A Literature Review. institute of development studies.
30. Siddiqui, j. (2016). Adoption of It/IS in indian SMEs: An Interpretive Structural Modeling(ISM) analysis. international journal of computer science and innovation.
31. Talebi, A., Yavarpour, H., و Valian, H. (2014). An Investigation into the Relationship between Income Distribution, Rate of Crude Oil Exports and Economic Growth Rate in the Iranian Economy with Regard to Globalization. Academic Journal of Accounting and Economics Researches, 216-226.
32. Vishwanath, T., و Kaufmann, D. (2001). Toward Transparency: New Approaches and Their Application to Financial Markets. The World Bank Research Observer, 41-57.
33. Xiang, C. (2004). Spatial Difference of Economic Opening and Development Strategy of Outward-oriented Economy in Hunan Province. Contemporary Finance و Economics.
34. Yili, O. (1994). Study of Foreign Trade Corporation Execute Mighty Economy و Trade Tactics in the Field of International Trade. JOURNAL OF WUHAN UNIVERSITY OF TECHNOLOGY, 4.
1. Thematic Anlaysis [↑](#footnote-ref-1)
2. resilience [↑](#footnote-ref-2)
3. Knowledge‌ Based Economy [↑](#footnote-ref-3)
4. Endogenous Growth‌ Models‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. Kaldor [↑](#footnote-ref-5)
6. Arrow [↑](#footnote-ref-6)
7. Uzawa‌ [↑](#footnote-ref-7)
8. The non-oil economy [↑](#footnote-ref-8)
9. Single-product economy [↑](#footnote-ref-9)
10. Public economy [↑](#footnote-ref-10)
11. Cooperation [↑](#footnote-ref-11)
12. Outward-oriented economy [↑](#footnote-ref-12)
13. Justice-orientation [↑](#footnote-ref-13)
14. social welfare [↑](#footnote-ref-14)
15. Self-sufficiency [↑](#footnote-ref-15)
16. The economic independence [↑](#footnote-ref-16)
17. Dependence [↑](#footnote-ref-17)
18. transparency [↑](#footnote-ref-18)
19. Grounded Theory [↑](#footnote-ref-19)
20. Critical Discourse Analysis [↑](#footnote-ref-20)
21. البته در منابع قديمي‌تر مانند (Aronson، 1994) تقدم و تاخر اين مراحل اندکي متفاوت است و ترسيم مضامين (الگوها) بر کدگذاري مقدم شده است. در اين مقاله به تناسب آنچه در مورد کليات تحليل کيفي در (Bell & Bryman، 2007) در مورد تقدم کدگذاري بر تشکيل الگوها در تحليل کيفي آمده است، تقسيم‌بندي موجود در متن ترجيح داده شده است. [↑](#footnote-ref-21)
22. قاعده تراوایی یا ترایایی (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی) Transitivity [↑](#footnote-ref-22)